

معرفی کتابشناسی مولوی و طرح یک پیشنهاد

• سفینه انجم روز

کتابشناسی مولوی

تدوین: تنظیم
مادام صديق بزازي

مركز پژوهشي، تهران

□ کتابشناسی مولوی، تهران، مرکز نشر
دانشگاهی، ویراست ۲، ۱۳۸۰

آشنایی با کتاب؛ سخنی با کاربران کتابشناسی

این مجموعه نخست بار در سال ۱۳۵۱ با عنوان «کتابنامه مولوی» از سوی مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی؛ مرکز خدمات کتابداری، در ۹۰ صفحه به چاپ رسیده است. نویسنده کتاب، خانم ماندانا صدیق بزازي از سال نخستین چاپ کتاب خود تا امروز، هم در تکمیل کتابشناسی مورد بحث و نیز در نوشتن کتب تخصصی دیگر، از حیث اهمیت موضوع و انتخاب محتوی، کارنامه پُری را رقم زده‌اند. برای آشنایی با زمینه تخصص و مطالعات مورد علاقه ایشان، نام و مشخصات آثار را به ترتیب نخستین چاپ، در پی می‌آوریم.

۱- کتابنامه مولوی. تهران. مؤسسات تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی؛ مرکز خدمات کتابداری. ۱۳۵۱. ۹۰ ص.
۲- رده PIR زبان‌ها و ادبیات ایرانی براساس نظام رده بندی کتابخانه کنگره.

تهران. کتابخانه ملی. ۱۳۷۱. سی و دو + ۵۵۷ ص. ویرایش ۲. ۱۳۷۶. بیست و هفت + ۵۹۷ ص.
۳- دستنامه قواعد فهرست‌نویسی. تهران. کتابخانه ملی. ۱۳۷۳. ۲۱۴ ص.

۴- شیوه نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی؛ با همکاری کتابخانه ملی. ۱۳۷۵. شش + ۳۳۶ ص.
۵- چکیده نامه پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران. کتابخانه ملی؛ مرکز اطلاع‌رسانی. ۱۳۷۹. هفده + ۶۲۸ ص.

۶- کتابشناسی مولوی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ویراست ۲. ۱۳۸۰.

۷- شیوه نامه ضبط اعلام. تهران. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. نشر آثار. ۱۳۸۱. ۲۹۱ ص.
در آغاز می‌پردازیم به طرح نظم و دیدگاهی که نویسنده برای چینش اطلاعات در چاپ اول و ویراست دوم برگزیده‌اند تا ضمن معرفی کتاب میان شکل نخستین و صورت تکمیل شده آن مقابله‌ای نیز به عمل آید.

چاپ نخست، طبق عناوین فهرست مندرجات کتاب:

- ۱- مثنوی معنوی؛ فارسی و عربی
- الف - متن کامل
- ب - منتخبات، قصص، قطعات، برگزیده‌ها.
- ج - شروح و حواشی و تفاسیر.
- د - فرهنگ‌ها، کشف اللغات، کشف المطالب‌ها، کشف الابیات‌ها.

ه - تحقیقات درباره مثنوی.

۲- دیوان شمس؛ فارسی و عربی:

الف - متن کامل

ب - برگزیده‌ها و منتخبات

۳- رباعیات

۴- آثار منثور:

الف - فیه مافیه



ب - مجالس سبعة

ج - مکتوبات

۵- دربارهٔ مولانا و شرح حال او؛ فارسی و عربی.

ویراست دوم؛ طبق عنوان فهرست مندرجات شامل چهار بخش:

بخش یکم؛ آثار مولانا، به فارسی، اردو، ترکی قدیم و عربی

۱- مثنوی معنوی

الف - متن کامل

ب - منتخبات و برگزیده‌ها

ج - تحقیقات دربارهٔ مثنوی؛ شامل کتاب، مقاله، پایان نامهٔ ارشد

و دکتری و دربردارندهٔ کتاب‌های کودکان و نوجوانان است.

د - فرهنگ‌ها، کشف اللغات‌ها و...

۲- دیوان شمس

الف - متن کامل

ب - منتخبات، برگزیده‌ها

ج - تحقیقات دربارهٔ دیوان شمس

۳- رباعیات

۴- آثار منثور:

الف - فیه مافیه

ب - مجالس سبعة

ج - مکتوبات

بخش دوم؛ شامل فهرست فوق به زبان‌های خارجی است.

بخش سوم؛ مقاله‌ها

الف - به زبان‌های فارسی، اردو، ترکی قدیم، عربی.

ب - مقاله‌هایی حاوی قطعاتی از مولوی.

ج - مقاله‌ها به زبان‌های خارجی.

بخش چهارم؛ نسخه‌های خطی که همانند بخش اول و دوم چیده

شده‌اند.

خاتمهٔ کتاب را «متفرقه» و «مجموعه» تشکیل می‌دهند.

این مجموعه دارای نمایهٔ نام کسان به فارسی، اردو، ترکی قدیم،

عربی و زبان‌های دیگر است و فهرستی از نام کتابخانه‌هایی که کتاب

را در اختیار دارند، به همراه کومه نشان نام در برگ‌های آغازین کتاب

درج شده؛ این کومه نام‌ها ذیل شرح مشخصات بکا یک کتب ذکر

شده است.

از مجموع موضوع‌های گوناگونی که به طور عام می‌توان

برای کتابنویسی برشمرد، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها و کتابشناسی‌ها

تتها مواردی هستند که بالا بودن حجمشان از ملاک‌های ارزیابی

و نشانۀ گستردگی دامنهٔ کار است. افزایش صفحات کتاب مورد بحث

از ۹۰ صفحه در چاپ نخست به ۶۳۷ صفحه در ویراست دوم،

رقمی است چشمگیر. و این معنی در اصل متوجه منابع و مآخذ کتاب

است که در بخش فارسی و عربی از ۷ عنوان در چاپ نخست به ۹۶

عنوان در چاپ دوم، افزونی گرفته است.

تهیهٔ کتابشناسی مولوی؛ ویراست دوم، برای همهٔ کتابخانه‌های

عمومی و تخصصی علوم انسانی ضروری است و مطالعهٔ آن به

پژوهشگران و علاقه‌مندان مولوی و آثارش سفارش می‌شود.

پیشنهادی برای ویراست سوم کتابشناسی مولوی؛ سختی

بامدوّن کتاب:

۱- مناسب است شمارش هر بخش از کتابشناسی را مشخصاً از

عدد یک آغاز کنند و شمار مجموع منابع را در مقدمه، جزءمشخصات

کتاب یاد آورند. این کار دو نتیجه در پی خواهد داشت، نخست این که

گسترده‌گی کار در هر بخش، به یک نظر بازنمودمی‌شود؛ دوم این که

فی‌المثل چنانچه مورخی بخواهد در زمینهٔ سیرمولوی خوانی و

مولاناپژوهی، قلمی بزند، ناگزیر از شمارش دستی هر بخش نخواهد

بود.

۲- الف - بنا به مقدمه کتاب، «در قسمت‌هایی که آثار

خودمولانا است، تاریخ چاپ ملاک تقدم و تأخر بوده است». شایسته

است این شیوه را که متناسب با کتاب‌های خطی هم اعمال کرده‌اند،

برای مقالات نیز منظور دارند؛ درین صورت می‌توان به سیر

تاریخی مولوی‌شناسی نیز نظری افکند و می‌توان دانست که

نخستین مقالات را چه کسانی و با چه دیدگاهی قلم زده‌اند و

نویسندگان امروز از چه منظر و روزنی به مولانا و آراء او می‌نگرند.

۳- ب - در مورد ترتیب تاریخی یکی از دو روش زیر

پیشنهاد می‌شود که به صورت یک الگو و اصل ثابت در طی

کتابشناسی انتخاب شود:

□ تاریخ تألیف یا چاپ یا تحریر و کتابت از آغاز به صورت تبدیل

شده بیاید.

□ معادل تاریخ میلادی و قمری به تاریخ ایرانی ذکر شود، که

در موارد معدودی مانند کتاب‌های شمارهٔ ۹۹ و ۷۴ به این روش

رفتار شده است؛ با این تفاوت که نویسنده معادل قمری تاریخ میلادی

رأ داده‌اند.

۳- از آنجا که هدف کتابشناس یکسر معطوف راهنمایی

پژوهشگران در دستیابی به منابع است و اهتمام وی مصروف تسریع و

تسهیل امر مطالعه و تحقیق است؛ پیشنهاد می‌شود در چینش تألیفات

تحقیقی مربوط به مولوی و آثارش، چه کتاب و چه مقاله، خطی یا

چاپی و قطع نظر از این که به چه زبانی نوشته شده است؛ دیدگاه

اصلی، نخست موضوع اثر باشد؛ سپس نظم تاریخی تألیف یا تحریر

یا چاپ و نشر؛ آن گاه ارائه نمایه‌ای با ترتیب الفبایی نام کتاب و مؤلف

که مرحلهٔ پایانی و تکمیلی کار خواهد بود. زیرا برای محقق نخستین

و در عین حال ضروری‌ترین چیز آن است که در زمینهٔ موضوع مورد

علاقه و مطالعهٔ خود چه منابعی موجود است؛ سپس این مطلب که به

چه ترتیب تاریخی تألیف یا ترجمه و چاپ شده‌اند و این مسئله که

منابع موجود به صورت کتاب یا مقاله است و آن را چگونه و در کجا

می‌توان جست و یافت، هم در جایگاه سوم اهمیت قرار دارد و هم سومین مرحله‌ای است که شخص به آن اقدام می‌کند.

این روش محکم و مطمئن نتایج سودمندی را در پیش خواهد داشت که به شماری از آن فواید اشاره می‌کنیم:

فایده نخست: وقتی نگرش در طبقه بندی منابع، شیوه موضوعی به نحو اخص باشد، می‌توان تا جایی که مقدور و میسر است موضوع را جزئی و خرد کرد تا از ابهامی که نتیجه کلی گویی است، پیشگیری شود.

نمونه: «حرکت در کلیات شمس» (ش ۱۶۷۸) با «تلقی مولوی از تأمل‌های فلسفی» (ش ۱۵۸۷) و «مقایسه افکار سهروردی و مولوی» (ش ۸۹۳) در یک ستون چیده می‌شوند. سپس به این مناسبت که سهروردی، فیلسوفی اشرافی است؛ یعنی گرایش عرفانی دارد، یک بار هم در ستون عرفان به این کتاب با نشانه‌ای ویژه (←) ارجاع داده می‌شود.

نمونه: «تقابل عشق و عقل در حدیقه سنایی و مثنوی» (ش ۳۱۱) که بحثی است دو سر و دو وجهی ابتدا در یک رده، ترجیحاً عرفان، چیده می‌شود و سپس در ستون فلسفه به آن ارجاع می‌دهند.

نمونه: «متناقض‌نمایی در غزل‌های مولوی» (ش ۷۳۴) چنانچه آن طور که از عنوان آن پیداست، طی بررسی کتابشناسی حاوی بحثی زبان‌شناسانه باشد، ابتدا در رده فوق می‌آید و بعد در ستون فلسفه نیز به آن ارجاع داده می‌شود.

نمونه: «همخوانی سهراب سپهری با مولوی» (ش ۱۶۵۶) و «عید و عشق در نگرش مولوی و حافظ» (ش ۱۲۹۶) در رده ادبیات مقابله‌ای که می‌تواند ذیلی از ادبیات تطبیقی باشد، در پی یکدیگر چیده خواهند شد.

نمونه: «مولوی، سورنالیسم، رمبوز، فروید» (ش ۱۳۴۶) بحثی است که ذیل چند ستون ادبیات تطبیقی، مکاتب ادبی، روانشناسی باید بدان ارجاع داد.

فایده دوم: در صورتی که روش طبقه بندی موضوعی را اختیار کنیم، به مقاله «باغ سبز عشق، گزیده مثنوی...» (ش ۱۳۷۰) در بخش گزیده‌ها هم ارجاع می‌دهیم و از «تأثیر متقابل دیوان شمس و مثنوی معنوی» (ش ۳۵۵) ذیل «تحقیقات درباره دیوان شمس» یادی می‌کنیم.

فایده سوم: مراجعه کننده با دیدن دو کتاب که نام‌های متفاوت ولی زمینه و محتوای مشترک دارند، گمراه نخواهد شد. برای مثال ممکن است عنوان کتابی «موسیقی در شعر فارسی» باشد؛ طبیعی است که خواننده که صرف اکتفا به «عنوان» نخواهد دانست که مراد نویسنده «عروض اشعار فارسی» است یا «کاربرد اصطلاحات موسیقی دستگاهی در شعر فارسی».

نمونه: «واژه یابی عشق در منظومه شمس» (ش ۷۵۲). آیا این کتاب واقعاً یک واژه‌نامه است که در این صورت جای آن در ستون واژه‌نامه‌ها خالی است. یا نه، فقط باید در ستون عرفان، ذیل موضوع فرعی «عشق» چیده شود.

فایده چهارم: در صورتی که شیوه چینش اطلاعات و منابع،

موضوعی خاص باشد، این سنت حسنه که به نظر می‌رسد در میان نسل نوی کتابداران در حال فترت است؛ یا چراغش خاموشی گرفته است، بار دیگر سو خواهد یافت. روشی که پسند کتابشناسان نامی ایران، این اهالی نظر، بوده و هست؛ همچون استاد زنده یاد، شادروان محمدتقی دانش پژوه که در آثارش به این شیوه نظر داشت. اگر هدف کتابشناسی، از مجموع اطلاعاتی که بر گره‌دان ارائه می‌کند، چیزی گسترده‌تر تلقی شود، کتابشناسان امروز نیز به پیروی از طرز استادان سلف، کتاب را با تأمل به دست می‌گیرند، تورق می‌کنند و با مرور و مطالعه اجمالی مقدمه و فصول و حتی پانوشته‌های آن، اطلاعاتی را که از عنوان اصلی و فرعی کتاب بر نمی‌آید، شرح می‌دهند و به نکاتی که در شناخت کتاب لازم است، اشاره می‌کنند. به خصوص که، جای تأسف است، شمار کثیری از عناوین کتب و مقالات به هیچ وجه گویای محتوا نیستند.

نمونه: «انسان در تکاپوی شدن؛ نگاهی گذرا به سه نماد درمثنوی مولانا» (ش ۱۶۱۳). کتابشناس با بررسی کتاب و شرح کافی می‌تواند کمک کند که مراد نویسنده از «سه نماد» چه بوده است.

نمونه: «سماع درویشان در تربت مولانا» (ش ۸۲۳). آیا در باب نوع موسیقی مجالس سماع است یا در زمینه احوال اهل سماع. نمونه: «قبلة جان، کاربرد مثنوی معنوی» (ش ۳۰۹). این کتاب با داشتن عنوان فرعی و تکمیلی باز هم گنگ است. «کاربرد مثنوی» در کجا و در چه موردی، و اساساً «کاربرد» به چه معنی، آیا مقصود مثنوی خوانی است، مثلاً مانند نقالی شاهنامه!

نمونه: «پوشش عشق در نی نامه» (ش ۳۲۴). مقصود از واژه «پوشش» چه بوده است.

... و قس علی هذا، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. به این ترتیب کتابشناس ضمن معرفی مشروح منابع، طی یک دوره کار سنگین و غنی اثر قلم خود را نیز که همان نگرش و شیوه استنباط مفاهیم و طبقه بندی معانی است، به یادگار خواهد گذاشت.

آنچه در این چند سطر، چکیده‌وار طرح شد، پیشنهادی بود برای نزدیک‌تر کردن کار بزرگ کتابشناسی مولوی به شکل آتم و اکمل آن. که رسیدن به این صورت آرمانی فرصتی فراخ می‌خواهد و یک تنه، حتی به دست مدون توانای این کتاب، قدری دشوار می‌نماید

و نیازمند همکاری گروهی کتابشناسان است. گذشته از این، خانم ماندانا صدیق بهزادی و همکارانشان در تدوین این کار بزرگ پیداست راهی دراز و ناهموار پوییده‌اند؛ سعی ایشان مشکور و توفیقشان افزون باد.

